

مدیریت سرمایه اجتماعی

دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳

صفحات ۲۰۱ - ۱۸۳

مقایسه سرمایه اجتماعی داوطلبان و غیر داوطلبان شاغل در

سازمان‌های ورزشی

احسان محمدی ترکمانی^{۱*}، قدرت‌الله باقری^۲، حسن زارعی‌متین^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۳. استاد گروه مدیریت، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۱۸)

چکیده

هدف تحقیق حاضر مقایسه سرمایه اجتماعی داوطلبان و غیرداوطلبان شاغل در سازمان‌های ورزشی است. جامعه آماری تحقیق کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان قم به عنوان افراد غیر داوطلب و همه اعضای هیئت‌های ورزشی فعال این استان، به عنوان داوطلبان هستند. کارکنان اداره کل ورزش و جوانان به تعداد ۶۵ نفر و از ۴۲ هیئت ورزشی فعال در استان ابتدا ۱۰ هیئت به شیوه تصادفی به عنوان خوشه انتخاب شدند، سپس، ۸۰ نفر از اعضای آن هیئت‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه سرمایه اجتماعی خداداد کاشی و همکاران بود که پس از تأیید روایی توسط متخصصان، پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. نتایج آزمون یومن - وایت نی نشان داد سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های «خیرخواهی»، «روابط متقابل و اعتماد» و «مشارکت» در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است و براساس میانگین رتبه‌ها میزان سرمایه اجتماعی و سه مؤلفه یادشده در گروه داوطلبان بیشتر از گروه غیرداوطلبان است، در عین حال، تفاوت معنی‌داری در میزان «اعتماد به سازمان» بین داوطلبان و غیرداوطلبان مشاهده نشد.

کلیدواژگان

اعتماد اجتماعی، داوطلب، سازمان‌های ورزشی، سرمایه اجتماعی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: Ehsan. mohamadi@ut.ac.ir

مقدمه

سرمایه یکی از مفاهیمی است که در چهار دهه گذشته دستخوش تحولاتی شده است، به طوری که شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه مانند سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی و جز آن می‌باشیم. در این میان، سرمایه اجتماعی^۱ در دو دهه اخیر به عنوان یک دیدگاه نظری مؤثر، به طور گسترده پذیرفته شده است. در حالی که درباره تعریف‌های اصلی این مفهوم بین متفکران این حوزه اجماع نظر حاصل نشده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴).

برخلاف پذیرش گسترده این مفهوم در سال‌های اخیر، ریشه به کارگیری این اصطلاح در سال ۱۹۱۶ و توسط معلمی جوان به نام هنیفن^۲ است. او در بحث از مراکز اجتماعات مدارس در روستاها، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم و توسعه دموکراسی تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع کرد. هنیفن دو وجه منافع عمومی و خصوصی سرمایه اجتماعی را برجسته کرد، اما برخلاف این نوآوری مفهومی توجهی را به خود جلب نکرد و بدون هیچ اثری ناپدید شد (Putnam, 2002). لین^۳ (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی بازار با بازده مورد انتظار تعریف می‌کند (شارع‌پور و حسینی‌راد، ۱۳۸۷). اما این بازدهی در برخی مباحث برای فرد در نظر گرفته شده است و در برخی دیگر برای جمع تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی گاهی اوقات دارایی فردی به شمار می‌آید که در این صورت بر شبکه‌های اجتماعی گسترده و منابع قابل دسترس برای فرد تأکید می‌شود و در موارد دیگر به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری پرداخته می‌شود که در این حالت، سرمایه اجتماعی یک دارایی جمعی خواهد بود. بنابراین، برحسب تعریف‌های متفاوت این مفهوم، کارکردهای متفاوتی نیز برای آن قابل تصور است و مفهوم سرمایه اجتماعی موضوع مطالعات وسیع و متنوع نظری و تجربی در سال‌های اخیر بوده است و ارتباط آن با سطوح توسعه سیاسی و اقتصادی در

1. Social capital

2. Hanifan

3. Lin

سطح کلان و کارآمدی و موفقیت‌های فردی در سطح خرد بررسی شده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴).

بیان مسئله

با افزایش مطالعات نظری و تجربی درباره مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه‌های گوناگون، در حوزه ورزش نیز شاهد توجه به سرمایه اجتماعی در مطالعات مختلف هستیم، شاید علت آن ظرفیت فراوان ورزش و فعالیت‌های ورزشی در جذب و همگرایی افراد جامعه و افزایش تعاملات اجتماعی بین افراد در محیط‌های ورزشی باشد که به جلب توجه محققان ورزشی منجر شده است. تحقیقات مختلفی بر ارتباط بین فعالیت‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند. برای مثال اکایاسو و همکاران (۲۰۱۰) ارتباط باشگاه‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی را در ژاپن مطالعه کردند، آن‌ها معتقدند امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای حل مشکلات مختلف اجتماعی مورد تأکید است و ورزش نیز به عنوان یکی از شیوه‌های ایجاد و تسريع توسعه سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (Okayasu et al., 2010). اغلب، مطالعات سرمایه اجتماعی در سطح محله‌ها و اجتماعات بررسی می‌شد ولی این سؤال که آیا این نوع سرمایه در محیط کار نیز قابل بررسی است، یا خیر، به تازگی مطرح شده است. منابع جدیدی از سرمایه اجتماعی را می‌توان در جایی یافت که افراد بیشتر زمان خود را در آن سپری می‌کنند، بنابراین، محیط‌های کاری یکی از منابع بالقوه سرمایه اجتماعی‌اند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۹۱). به نظر استون و هاجز (۲۰۰۲) سرمایه اجتماعی با توجه به نوع شبکه و مقیاس اجتماعی متفاوت است (Stone & Hughes, 2002) و اهمیت این مطلب درباره سازمان‌های ورزشی دوبرابر است، زیرا تحولات و پیشرفت‌های کمی و کیفی رویدادهای مختلف ورزشی از یک طرف، و از طرف دیگر طبیعت مشارکت‌پذیری ورزش موجب شده است سازمان‌های ورزشی به عنوان حیطه‌ای برای خلق و توسعه سرمایه اجتماعی شناخته شوند (Jarvie, 2003). بنابراین، ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به دنیای ورزش و بررسی جنبه‌های مختلف آن دور از انتظار نخواهد بود. از طرفی، مرور مبانی نظری و پیشینه مطالعات سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد فعالیت‌های داوطلبانه در بسیاری از این

تحقیقات به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است بطوری که مشارکت داوطلبانه افراد در سازمان‌ها به توسعه سرمایه اجتماعی آنان منجر می‌شود. فوکویاما (۱۹۹۹) گروه‌های خیریه داوطلبانه را از گروه‌هایی که برای منافع خاص اعضای خود تلاش می‌کنند، تفکیک می‌کند. دسته اول گروه‌ها را به واسطه برخورداری از اعتماد، مولد سرمایه اجتماعی می‌داند و آن‌ها را برای جامعه مدنی مفید معرفی می‌کند (Fukuyama, 1999). همچنین، بوچل و دانکن (۱۹۹۸) در بررسی ارتباط فعالیت‌های اجتماعی والدین با موفقیت تحصیلی فرزندان، بیان کردند فعالیت‌های پدر و مادر، مانند شرکت در رویدادهای فرهنگی، انجام دادن کارهای داوطلبانه و معاشرت اجتماعی با دوستان، می‌تواند موجب توسعه سرمایه اجتماعی والدین شود و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و کارهای داوطلبانه پدر بر موفقیت فرزندان تأثیر مثبت دارد، در حالی که معاشرت با دوستان تأثیر منفی بر موفقیت کودکان دارد (Buchel & Duncan, 1998). داوطلبی و خدمت‌رسانی به جامعه از پدیده‌های دنیای معاصر است که در سنت‌های اجتماعی مردم سراسر جهان ریشه دارد. فعالیت‌های داوطلبانه فوایدی دوسویه دارد که جامعه و داوطلب از آن بهره‌مند می‌شوند (اندام و همکاران، ۱۳۹۱) و امروزه افراد داوطلب به عنوان یکی از سه گروه تشکیل‌دهنده منابع انسانی سازمان (کارمندان رسمی، داوطلبان و مشتریان یا ارباب‌رجوع) توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای برای خود در ساختار سازمان‌های غیرانتفاعی و دولتی، به‌ویژه سازمان‌های ورزشی پیدا کنند، به‌طوری که در عصر حاضر ورزش در کشورهای پیشرفته جهان بر داوطلب‌گرایی متمرکز است که توسط داوطلبان زیادی هدایت می‌شود (هادوی، ۱۳۹۲). بررسی سازمان‌های مسئول در ورزش کشور، تفاوت در نوع سازمان و ساختار آن‌ها را نشان می‌دهد، به‌طوری که مطابق با تعریف فدراسیون‌های ورزشی مؤسسات عمومی غیردولتی محسوب می‌شوند (اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۱)، همچنین، در سال ۱۳۸۹ با ادغام سازمان تربیت بدنی که سازمانی دولتی در کشور بوده است، با سازمان ملی جوانان، وزارت ورزش و جوانان تشکیل شد که یکی از اجزای ساختار دولت است (مجموعه اهداف، وظایف و پست‌های سازمانی سازمان تربیت بدنی، مصوب ۱۳۷۸). به همین ترتیب، هیئت‌های

ورزشی استانی به عنوان نماینده و جانشین فدارسیون‌های مربوطه نهادهای غیردولتی می‌باشند که با همکاری ادارات کل ورزش و جوانان استان، همه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های اجرایی هر رشته ورزشی را در سطح استان‌ها اجرا می‌کنند. با در نظر گرفتن تفاوت‌های هیئت‌های ورزشی استانی و اداره کل ورزش و جوانان هر استان، نوع همکاری افراد شاغل در این دو سازمان نیز متفاوت است، در ادارات کل ورزش و جوانان با شاغلین و مستخدمین دولت سروکار داریم که پست‌های سازمانی مصوب دارند. از طرفی، در هیئت‌های ورزشی مشارکت و همکاری افراد به طور داوطلبانه است و بیشتر اعضای هیئت‌های ورزشی جهت مشارکت و همکاری خود مزد و حقوقی دریافت نمی‌کنند، و در صورت دریافت این حق‌الزحمه خیلی ناچیز است. بر این اساس، با توجه به زمینه کاری مشترک هیئت‌های ورزشی و ادارات کل ورزش و جوانان، و در عین حال، تفاوت نوع همکاری افراد در سازمان‌های ورزشی، با دو گروه افراد شاغل یعنی کارکنان رسمی و نیروهای داوطلب مواجهیم و با پذیرش ارتباط داوطلبی در ورزش و سرمایه اجتماعی که تحقیقات گوناگون به آن اشاره کرده است و لزوم بررسی بیشتر سرمایه اجتماعی در محیط‌های کاری سازمان‌های ورزشی، پژوهش حاضر به دنبال مقایسه سطوح سرمایه اجتماعی افراد داوطلب شاغل در هیئت‌های ورزشی و غیرداوطلبان شاغل در ادارات کل ورزش و جوانان است.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی

ردپای مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک و در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی مشاهده کرد، اما سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های هنیفن به کار گرفته شد و در دهه ۱۹۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی جایگاهی معین در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی

به خود اختصاص دهد، این امر به طور عمده، مرهون کارهای کلمن^۱ جامعه‌شناس آمریکایی و پس از آن بوردیو^۲ نظریه‌پرداز فرانسوی است که با مطالعات پاتنام در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا گسترش یافت. سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ مفهوم مهمی شد و در رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفت، عده زیادی از جامعه‌شناسان، علمای سیاست و اقتصاددانان برای یافتن پاسخ سؤال‌های متعددی در رشته‌های خود به مفهوم سرمایه اجتماعی متوسل شدند و بحث سرمایه اجتماعی سازمانی نیز با نظریه‌های نه‌اپیت و گوشال^۳ قوت گرفت و توجه مدیران سازمان‌ها به این سرمایه بیشتر معطوف شد (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۰). مرور سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد پژوهشگران مختلف در زمینه تعریف این مفهوم اتفاق نظر ندارند و تعریف‌های متعددی توسط افراد مختلف در حوزه‌های گوناگون بیان شده است. برخی از مهم‌ترین این تعریف‌ها در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. تعریف‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف

نظریه‌پرداز	تعریف
بوردیو	سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم‌وبیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است. به عبارت دیگر، عضویت در گروه برای اعضا از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می‌کند که آنان را مستحق «اعتبار» می‌کند (Bourdieu, 2011).
پاتنام	سرمایه اجتماعی خصوصیتی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که تسهیل‌کننده همکاری و هماهنگی برای رسیدن به منافع متقابل است (Putnam, 1993).
کلمن	سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد به منافع خود دست یابد، از نظر ایشان روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را کنند و نباید تنها به عنوان اجزای ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند و آن را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت (کلمن، ۱۳۷۷).
لین	سرمایه اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: «منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این گونه منابع اجتماعی در کنش‌های هدفمند» (Lin, 1999).

1. Coleman
2. Bourdieu
3. Nahapiet & Ghoshal

ادامهٔ جدول ۱. تعریف‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف

نظریه‌پرداز	تعریف
فوکویاما	سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که تعاون و همکاری بینشان مجاز است، در آن سهیمند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل ویژگی‌هایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹).
ناهاییت و گوشال	از دیدگاه سازمانی، سرمایه اجتماعی به عنوان جمع منابع بالقوه موجود در درون شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی است که شبکه روابط یادشده ایجادکننده آن است و دسترسی به آن نیز فراهم می‌کند. از دیدگاه آن‌ها سرمایه اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم سازمانی است که می‌تواند به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش کمک کند و برای آن‌ها در مقایسه با سازمان‌های دیگر مزیت سازمانی پایدار ایجاد کند (Nahapiet & Ghoshal, 1998).

با تأمل در تعریف‌های سرمایه اجتماعی می‌توان به نقاط مشترک آن‌ها پی برد و زبان مشترک همه تعریف‌ها و نظریه‌های سرمایه اجتماعی را تعامل‌ها و روابط اجتماعی افراد در درون شبکه‌ها دانست که منافع را برای تک‌تک اعضای آن شبکه‌ها به وجود می‌آورد. متنوع‌بودن تعریف‌های مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور واضح، نشان‌دهنده وجود مدل‌های مختلف برای این نوع سرمایه و فقدان اتفاق نظر درباره ابعاد مختلف آن نیز است، برخی از مهم‌ترین ابعاد سازنده سرمایه اجتماعی از نظر محققان مختلف در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف

محققان	ابعاد
کلمن	تعهدات، کانال‌های اطلاعاتی، اعتماد، هنجارها و تصدیق‌های مؤثر
پورتر	هنجارها
پاتنام	اعتماد، هنجارها و پیوندهای شبکه‌ای
لینا و وان بون	وابستگی و اعتماد
ناهاییت و گوشال	ساختاری، رابطه‌ای و شبکه‌ای
بورديو	اندازه گروه یا شبکه، حجم سرمایه هر یک از اعضای شبکه
نوريس	مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و حمایت، مشارکت مدنی، اعتماد و عمل متقابل

منبع: (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ترک‌زاده و محترم، ۱۳۹۱)

پیشینه پژوهش

سیپل (۲۰۰۶) در تحقیقی که درباره ورزش و سرمایه اجتماعی در سازمان‌های ورزشی نروژ انجام داده است، بیان می‌کند عضویت داوطلبانه افراد در یک سازمان ورزشی توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی بوده و به اعتماد عمومی و تعهد سیاسی آنان منجر می‌شود (Seippel, 2006). دان وارد و رالستون (۲۰۰۶) با مطالعه داوطلبان هفدهمین دوره بازی‌های مشترک‌المنافع منچستر بیان کردند تجربه مشارکت داوطلبی در یک رویداد ورزشی بزرگ می‌تواند دلبستگی، علاقمندی و مشارکت داوطلبی در ورزش و حتی داوطلبی در امور غیرورزشی را به‌طور کلی، افزایش دهد و به نظر می‌رسد ظرفیتی بالقوه برای توسعه سرمایه اجتماعی دارد (Downward & Ralston, 2006). هاروی و همکاران (۲۰۰۷) ارتباط داوطلبی در ورزش و سرمایه اجتماعی را مطالعه کردند، نتایج تحقیق آن‌ها ارتباط قوی بین داوطلبی در ورزش و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد، با این حال، اندازه‌گیری و پیش‌بینی دقیق جهت این ارتباط ممکن نیست (Harvey et al., 2007). روشنفکر و ذکایی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه» ابعادی از سرمایه اجتماعی را شناسایی کردند که می‌تواند تقویت‌کننده گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه باشد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد بعد هنجاری سرمایه اجتماعی با همه گرایش‌های داوطلبانه ارتباط مستقیم دارد و داوطلبان سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد غیرداوطلب داشتند (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵). کای و برادبوری (۲۰۰۹) اهمیت داوطلبی در ورزش در توسعه سرمایه اجتماعی افراد جوان را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های داوطلبانه سازمان‌یافته افراد جوان را به مهارت‌های داوطلبی مؤثر مجهز می‌کند و به افزایش ارتباطات اجتماعی آنان در بسیاری از زمینه‌ها منجر می‌شود، در نهایت، توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی داوطلبان است (Kay & Bradbury, 2009). پی‌چی و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر فوتبال خیابانی آمریکا^۱ بر سرمایه اجتماعی

۱. Street Soccer USA: یک سازمان غیرانتفاعی در آمریکا است که به دنبال دستیابی به تغییرات اجتماعی مثبت جهت کمک به افراد بی‌خانمان از طریق توسعه ورزش فوتبال به‌طور همگانی است.

داوطلبان را بررسی کردند، نتایج مطالعات آن‌ها نشان داد داوطلبی پیش‌شرط‌های لازم را برای توسعه سرمایه اجتماعی از طریق «افزایش آگاهی و درک نسبت به پدیده بی‌خانمانی»، «ارتباطات با افراد بی‌خانمان»، «افزایش علاقه در جهت توسعه عدالت اجتماعی» و «توسعه رضایتمندی افراد از خود» تقویت می‌کند. بنابراین، ورزش با افزایش درک افراد نسبت به طبقات اجتماعی دیگر، انسجام بیشتر جامعه و سرمایه اجتماعی را توسعه می‌دهد (Peachey et al., 2011). اسکیرستد و هانستد (۲۰۱۳) در مطالعه تفاوت‌های جنسیتی داوطلبان رویدادهای ورزشی با بررسی انگیزه‌های فعلی و سوابق داوطلبان بیان کردند زنان شرکت‌کننده در تحقیق دلیل اصلی داوطلب شدن خود را بهبود سرمایه اجتماعی و درگیری در شبکه‌ها و گروه‌های مفید بیان کردند در حالی که مردان انگیزه‌های بیرونی و درونی را دلیل عمده خود اعلام کردند (Skirstad & Hanstad, 2013).

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به هدف اصلی تحقیق، فرضیه‌های زیر جهت مقایسه سرمایه اجتماعی داوطلبان شاغل در هیئت‌های ورزشی و غیرداوطلبان شاغل در اداره کل ورزش و جوانان مطرح می‌شود:

فرضیه اصلی

سطح سرمایه اجتماعی در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه‌های فرعی تحقیق به شرح زیر است:

فرضیه فرعی اول: سطح اعتماد به سازمان در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است.

فرضیه فرعی دوم: سطح خیرخواهی در بین داوطلبان و غیر داوطلبان متفاوت است.

فرضیه فرعی سوم: سطح روابط متقابل و اعتماد در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است.

فرضیه فرعی چهارم: سطح مشارکت در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی است. برای

جمع‌آوری اطلاعات برای تدوین چارچوب نظری و پیشینه تحقیق روش کتابخانه‌ای، و جمع‌آوری داده‌ها از نمونه آماری، روش میدانی به‌کار گرفته شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان قم به عنوان افراد غیرداوطلب و اعضای هیئت‌های ورزشی فعال در این استان به عنوان داوطلبان است. همه افراد شاغل در اداره کل ورزش و جوانان به تعداد ۶۵ نفر به‌طور تمام‌شمار به عنوان نمونه گروه غیرداوطلبان انتخاب شدند، برای گروه داوطلبان نیز با توجه به فعالیت ۴۲ هیئت ورزشی در استان قم واحد نمونه‌گیری هیئت ورزشی در نظر گرفته شد و از بین ۴۲ هیئت ورزشی، ابتدا ۱۰ هیئت به شیوه تصادفی به عنوان خوشه‌ها انتخاب، سپس، همه اعضای آن خوشه‌ها به تعداد ۸۰ نفر به‌طور تمام‌شمار به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

ابزار تحقیق جهت جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه سرمایه اجتماعی خداداد کاشی و همکاران (۱۳۹۱) است جهت سنجش سرمایه اجتماعی در سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران طراحی، رواسازی و اعتباریابی شده بود. این پرسشنامه حاوی ۴۴ گویه برای سنجش سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را با چهار عامل اعتماد به سازمان، خیرخواهی، روابط متقابل و اعتماد و مشارکت می‌سنجد که تعداد گویه‌های این چهار عامل به ترتیب، ۱۶، ۱۰، ۱۰ و ۸ گویه بودند (خدادادکاشی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین، جهت بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی ۷ سؤال به ابتدای پرسشنامه توسط محقق اضافه شد. جهت بررسی روایی ابزار، پرسشنامه یادشده به ده نفر از استادان مدیریت ورزشی و مدیریت رفتار سازمانی عرضه شد و روایی آن با اصلاحات جزئی تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز طی یک مطالعه اولیه روی نمونه ۲۵ نفری از اعضای جامعه و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۱ تأیید شد.

یافته های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با نرم افزار SPSS22 انجام گرفت، روش های آمار توصیفی شامل محاسبه فراوانی ها، میانگین و انحراف استاندارد داده ها بود. در بخش آمار استنباطی برای بررسی نرمال بودن داده ها آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و بررسی فرضیه های تحقیق از آزمون یومن - وایت نی اجرا شد. جدول ۳ خلاصه ای از یافته های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی را نشان می دهد.

جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

متغیر	جنسیت		تحصیلات			میانگین	
	مرد	زن	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتر	مدت همکاری سن
اداره کل (غیر داوطلبان)	۵۱	۱۴	۸	۴۲	۱۵	۰	۸
هیئت ها (داوطلبان)	۶۳	۱۷	۴	۵۷	۱۸	۱	۴
فراوانی	۱۱۴	۳۱	۱۲	۹۹	۳۳	۱	
مجموع درصد	۷۸٫۶	۲۱٫۴	۸٫۳	۶۸٫۳	۲۲٫۸	۰٫۷	

طبق جدول ۳، ۷۸٫۶ درصد از کل آزمودنی را مردان و ۲۱٫۴ درصد از آن ها را زنان تشکیل می دهند. همچنین، بیشترین تعداد پاسخ دهندگان مدرک تحصیلی کارشناسی با درصد فراوانی ۶۸٫۳ دارند. میانگین سنی گروه غیرداوطلبان و داوطلبان به ترتیب، ۳۸ و ۴۳ سال بود، همچنین، میانگین مدت همکاری غیرداوطلبان بیشتر از مدت زمان همکاری افراد داوطلب با هیئت های ورزشی بود که با در نظر گرفتن چهار سال یک بار برگزار شدن انتخابات در هیئت های ورزشی توجیه پذیر است.

آزمون فرضیه های تحقیق

برای انتخاب آزمون آماری مناسب، ابتدا نرمال بودن داده های جمع آوری شده با اجرای آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی شد، نتایج این آزمون در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. آماره‌های آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

اعتماد به سازمان	خیرخواهی	روابط متقابل و اعتماد	مشارکت	سرمایه اجتماعی	ضریب معناداری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	

با توجه به اینکه ضریب معناداری برای همه مؤلفه‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است، داده‌ها توزیع غیرنرمال دارند، به همین دلیل، آزمون آماری ناپارامتریک یومن - وایت نی برای بررسی فرضیه‌های تحقیق اجرا شد. جدول ۵ آماره‌های مربوط به آزمون یومن - وایت نی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آماره‌های آزمون یومن - وایت نی

متغیر	اعتماد به سازمان	خیرخواهی	روابط متقابل و اعتماد	مشارکت	سرمایه اجتماعی
مقدار آزمون	۱۹۹۸/۰۰۰	۲۲۰۸/۵۰۰	۲۴۳۸/۰۰۰	۱۸۴۶/۵۰۰	۱۹۹۲/۵۰۰
ضریب معناداری	۰/۲۱۶	۰/۰۱۸*	۰/۰۱۲*	۰/۰۰۳*	۰/۰۱۶*

*معناداری در سطح $P < ۰/۰۵$

بر اساس جدول ۵، از لحاظ آماری، در میزان اعتماد به سازمان بین داوطلبان و غیرداوطلبان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در نتیجه، فرضیه فرعی اول رد می‌شود. با توجه به ضریب معناداری، مؤلفه‌های «خیرخواهی»، «روابط متقابل و اعتماد» و «مشارکت» در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است یعنی به لحاظ آماری تفاوت سطح این مؤلفه‌ها در بین داوطلبان و غیرداوطلبان معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه‌های فرعی دوم، سوم و چهارم تأیید می‌شود. درباره سرمایه اجتماعی نیز ضریب معناداری برابر با ۰/۰۱۶ است که نشان می‌دهد سطح سرمایه اجتماعی در بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است.

حال با توجه به معناداربودن تفاوت سطح «خیرخواهی»، «روابط متقابل و اعتماد»، «مشارکت» و «سرمایه اجتماعی» در بین داوطلبان و غیرداوطلبان، باید مشخص کنیم سطح این مؤلفه‌ها در کدام گروه بیشتر از دیگری است، جدول ۶ آماره‌های مربوط به میانگین رتبه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶. میانگین رتبه‌ها

میانگین رتبه‌ها	تعداد	گروه	
۶۳٫۷۴	۶۵	غیرداوطلب	اعتماد به سازمان
۶۷٫۷۸	۸۰	داوطلب	
۶۵٫۴۴	۶۵	غیرداوطلب	خیرخواهی
۸۴٫۷۶	۸۰	داوطلب	
۶۹٫۶۷	۶۵	غیرداوطلب	روابط متقابل و اعتماد
۸۷٫۳۴	۸۰	داوطلب	
۶۱٫۴۱	۶۵	غیرداوطلب	مشارکت
۸۲٫۴۵	۸۰	داوطلب	
۶۳٫۶۵	۶۵	غیرداوطلب	سرمایه اجتماعی
۸۰٫۵۹	۸۰	داوطلب	
۱۴۵		تعداد کل	

با توجه به نتایج، میانگین رتبه‌های خیرخواهی، روابط متقابل و اعتماد و مشارکت در بین داوطلبان بیشتر از میزان این مؤلفه‌ها در بین غیرداوطلبان است. همچنین، سطح کلی سرمایه اجتماعی نیز در گروه داوطلبان با میانگین رتبه ۸۰٫۵۹ بیشتر از سطح سرمایه اجتماعی غیرداوطلبان با میانگین رتبه ۶۳٫۶۵ است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف مقایسه سرمایه اجتماعی داوطلبان و غیرداوطلبان شاغل در سازمان‌های ورزشی انجام گرفت، یافته‌های این بررسی تفاوت معناداری را در سطوح سرمایه اجتماعی داوطلبان و غیرداوطلبان نشان داد، به‌طوری که میزان سرمایه اجتماعی داوطلبان بیشتر از سرمایه اجتماعی غیرداوطلبان بود. این یافته با نتایج تحقیقات بوچل و دانکن (۱۹۹۸)، سیل (۲۰۰۶)، دان وارد و رالستون (۲۰۰۶)، هارویو همکاران (۲۰۰۷)، روشنفکر و ذکایی (۱۳۸۵)، کای و برادبوری (۲۰۰۹)، و پی‌جی و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد. این پژوهشگران نیز بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی را در داوطلبان نشان داده بودند و شاید بتوان گفت با توجه به ماهیت مشارکت و

فعالیت‌های داوطلبانه در سطح جامعه و علاقه افراد برای همکاری داوطلبانه با انگیزه‌های غیرمالی جهت عرضه خدمات به شهروندان تفاوت سرمایه اجتماعی بین داوطلبان و غیرداوطلبان و حتی بالابودن سطح آن در داوطلبان مورد انتظار بود.

از طرفی مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی بین داوطلبان و غیرداوطلبان نیز نشان داد، در همه مؤلفه‌ها، به‌جز مؤلفه «اعتماد به سازمان» تفاوت معناداری بین داوطلبان و غیرداوطلبان وجود دارد و سطح مؤلفه‌های «خیرخواهی»، «روابط متقابل و اعتماد» و «مشارکت» در داوطلبان بیشتر از غیرداوطلبان است. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات زیادی همخوانی دارد، ویلسون و موسیک (۱۹۹۹) بیان کردند از رایج‌ترین آثار مشارکت داوطلبانه برای داوطلبان توسعه سطح سرمایه اجتماعی آنان است و فعالیت‌های داوطلبانه متشکل از مشارکت فعال در انجمن‌های داوطلبی مختلف است که به ایجاد اعتماد، ایجاد و بهبود شبکه‌های ارتباطی افراد منجر می‌شود (Wilson & Musick, 1999). تونتز (۲۰۰۵) کسب تجربه‌های ورزشی و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی جدید را از شیوه‌های کسب سرمایه اجتماعی توسط داوطلبان معرفی می‌کند (Tonts, 2005). سیپل (۲۰۰۶) عضویت داوطلبانه افراد در سازمان‌های ورزشی را توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی افراد می‌داند که به اعتماد اجتماعی و تعهد سیاسی آنان منجر می‌شود. مطالعه هاروی و همکاران (۲۰۰۷) ارتباط قوی داوطلبی در ورزش و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. البته از نظر آنان ایجاد سرمایه اجتماعی در اثر توسعه شبکه‌های اجتماعی فرآیندی زمان‌بر است و به احتمال زیاد از مزایای کوتاه‌مدت داوطلبی در ورزش نیست. همچنین، میسینر و دوهرتی (۲۰۰۹) نشان دادند سرمایه اجتماعی یکی از مزایای منتج از شبکه‌های اجتماعی است که از طریق ایجاد اعتماد اجتماعی و شبکه‌ها و روابط متقابل به وجود آمده و توسعه می‌یابد و فعالیت‌های داوطلبانه ظرفیت زیادی در ایجاد آن دارند (Misener & Doherty, 2009). مطالعه پی‌چی و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان داد مشارکت داوطلبانه در ورزش با تقویت عواملی مانند «افزایش آگاهی و درک نسبت به پدیده بی‌خانمانی»، «ارتباطات با افراد بی‌خانمان»، «افزایش علاقه در جهت توسعه عدالت اجتماعی» و «توسعه رضایتمندی افراد از خود» موجب توسعه سرمایه اجتماعی افراد می‌شود.

برخلاف بالا بودن مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی مانند «خیرخواهی»، «روابط متقابل و اعتماد» و «مشارکت» در بین داوطلبان نسبت به غیرداوطلبان که در تحقیقات متعدد با عناوین مختلفی مثل اعتماد، بهبود شبکه‌های ارتباطی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی جدید، شبکه‌ها و روابط متقابل، افزایش علاقه در جهت توسعه عدالت اجتماعی و جز آن نشان داده شده بودند، یافته جالب این تحقیق عدم تفاوت «اعتماد به سازمان» بین داوطلبان و غیرداوطلبان بود. همواره در تحقیقات مختلف اعتماد یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. در این تحقیق نیز نتایج نشان داد «روابط متقابل و اعتماد» بین داوطلبان و غیرداوطلبان متفاوت بوده و سطح آن در داوطلبان بالاست. از طرفی، با توجه به اینکه اعتماد سه نوع اعتماد اعتباری، متقابل و اجتماعی را شامل می‌شود (الوانی و دانائی فرد، ۱۳۸۰)، شاید در این تحقیق علت عدم تفاوت «اعتماد به سازمان» بین دو گروه را باید در تفاوت نوع اعتماد جست‌وجو کرد.

نوع اول اعتماد، یعنی اعتماد اعتباری، بخشی مهم از اعتماد عمومی نسبت به دولت و سازمان‌ها است. همچنین، اعتماد متقابل ماهیت میان‌فردی دارد، اما در نهایت، به افزایش اعتماد اعتباری نسبت به سازمان‌ها منجر می‌شود. در نهایت، فقط نوع سوم اعتماد، یعنی اعتماد اجتماعی شکلی از سرمایه اجتماعی است که به تدریج و از طریق تعاملات افراد به‌طور فردبافرد به دست می‌آید و تبدیل به نوعی «خیر عامه» می‌شود که مبنای اعتماد افراد دیگر جامعه قرار می‌گیرد. اعتماد اجتماعی برخلاف اعتماد فردی از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود و از آنجا که این سرمایه در مدت زمان طولانی به وجود آمده است، برخلاف سرمایه متعارف، به راحتی از بین نمی‌رود (الوانی و دانائی فرد، ۱۳۸۰).

عدم تفاوت «اعتماد به سازمان» بین داوطلبان و غیرداوطلبان با نتایج مطالعه روشنفکر و ذکایی (۱۳۸۵) نیز همخوانی دارد، نتایج مطالعه یادشده نشان داد جنبه‌های هنجاری سرمایه اجتماعی مانند اعتماد و بده‌بستان با همه گرایش‌های داوطلبانه رابطه مستقیم دارد و داوطلبان نسبت به غیرداوطلبان سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی دارند، در عین حال، داوطلبان اعتماد کمتری نسبت به نهادهای حکومتی داشتند.

روشن است که نتایج این مطالعه مانند تحقیقات متعدد دیگر ارتباط سرمایه اجتماعی و

داوطلبی در ورزش و بالابودن سرمایه اجتماعی داوطلبان را نشان داد. نکته دیگر زمان‌بر بودن توسعه شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی است. بنابراین، شاید انتظار توسعه سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مزایای کارهای داوطلبانه کوتاه‌مدت منطقی نباشد. البته در این تحقیق داوطلبان مورد نظر افراد شاغل در هیئت‌های ورزشی بودند که عمدتاً از ورزشکاران با سابقه رشته‌های ورزشی مختلفند و سابقه زیادی در همکاری با هیئت‌های مربوطه دارند، پس با اطمینان بیشتری می‌توان به نتایج این تحقیق استناد کرد. همچنین، باید توجه کرد تحقیقات یادشده گروه‌های مختلفی از داوطلبان را بررسی کرده است و تفاوت‌های زیادی بین گروه‌های مختلف داوطلبان ورزشی از نظر انگیزه‌ها و زمینه‌های کاری که می‌تواند از مشارکت داوطلبی در یک رویداد ورزشی جذاب تا فعالیت طولانی‌مدت در یک هیئت ورزشی یا فعالیت در یک سازمان ورزشی همگانی و تفریحی تا یک سازمان ورزشی حرفه‌ای و قهرمانی باشد، وجود دارد. که هر یک از عوامل یادشده می‌تواند بر ارتباط سرمایه اجتماعی و داوطلبی ورزشی تأثیر گذارد. بنابراین، جهت تبیین رابطه این دو مفهوم مطالعات بیشتر در این زمینه را ضروری می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، علی‌اکبر؛ فراهانی، ابوالفضل؛ بهمنی چوبستی، اکبر؛ شهبازی، مهدی (۱۳۹۱). «نقش سرمایه اجتماعی بر بهبود مدیریت استعدادها در سازمان تربیت بدنی». *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره سیزدهم، صفحات ۲۶۰-۲۳۷.
۲. الوانی، مهدی؛ دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی». *دانش مدیریت*، دوره ۴، شماره ۵۵، صفحات ۲۷-۵.
۳. اندام، رضا؛ حمیدی، مهرزاد؛ تسلیمی، زهرا (۱۳۹۱). «مدیریت داوطلبان در ورزش: مطالعه موردی سازمان ورزش شهرداری تهران». *پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی*، دوره ۲، شماره سوم، صفحات ۱۰۳-۹۳.
۴. ترک‌زاده، جعفر؛ محترم، معصومه (۱۳۹۱). «تدوین و ارائه الگویی یکپارچه از سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». *مطالعات مدیریت/انتظامی*، دوره ۷، شماره سوم، صفحات ۴۳۴-۴۱۳.
۵. توسلی، غلامعباس؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی». *علوم/اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۲۶، صفحات ۳۲-۱.
۶. خداداد کاشی، شعله؛ گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن؛ جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۱). «طراحی، رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه سرمایه اجتماعی در سازمان تربیت بدنی». *مدیریت ورزشی*، شماره سیزدهم، صفحات ۶۴-۴۵.
۷. روشنفکر، پیام؛ ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۵). «جوانان سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه». *رفاه/اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحات ۱۴۶-۱۱۳.
۸. سازمان امور اداری و استخدامی کشور (۱۳۷۸). *مجموعه اهداف، وظایف و پست‌های سازمانی سازمان تربیت بدنی*. تهران.
۹. شارع‌پور، محمود؛ حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی». *حرکت*، شماره ۳۷، صفحات ۱۵۴-۱۳۱.

۱۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
۱۱. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۲. مقیمی، سیدمحمد؛ امامی، فرزانه؛ کاظمی، معصومه (۱۳۹۰). «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخصه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد سازمانی در نظام دانشگاهی». *مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره ۹، شماره دوم، صفحات ۶۰-۲۹.
۱۳. هادوی، فریده (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی مدیریت کلان داوطلبان ورزشی در ایران و کشورهای منتخب». *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره ۲۱، صفحات ۳۶-۱۵.
۱۴. مصوبه هیئت وزیران (۱۳۸۱). *اساسنامه فدارسیون‌های ورزشی آماتور جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه هیئت‌های ورزشی استان‌ها*. تهران.

15. Bourdieu, p.(2011). The forms of capital (1986). In I. Szeman & T. Kaposy (Eds.), *Cultural theory: An anthology* (pp. 81-93), John Wiley & Sons.
16. Buchel, F.; Duncan, G. J. (1998). "Do parents' social activities promote children's school attainments? Evidence from the German socioeconomic panel". *Journal of Marriage and the Family*, 60 (1), 95-108.
17. Downward, p.M.; Ralston, R. (2006). "The sports development potential of sports event volunteering: Insights from the XVII Manchester Commonwealth Games". *European Sport Management Quarterly*, 6 (4), 333-351.
18. Fukuyama, F. (1999). *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*. New York, The Free Press.
19. Harvey, J.; Levesque, M.; Donnelly, p.(2007). "Sport volunteerism and social capital". *Sociology of Sport Journal*, 24 (2), 206.
20. Jarvie, G. (2003). "Communitarianism, Sport and Social CapitalNeighbourly Insights into Scottish Sport". *International Review for the Sociology of Sport*, 38 (2), 139-153.
21. Kay, T.; Bradbury, S. (2009). "Youth sport volunteering: developing social capital?". *Sport, education and society*, 14 (1), 121-140.
22. Lin, N. (1999). "Building a network theory of social capital". *Connections*, 22 (1), 28-51.
23. Misener, K.; Doherty, A. (2009). "A case study of organizational capacity in nonprofit community sport". *Journal of Sport Management*, 23 (4), 457-482.
24. Nahapiet, J. : Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage". *Academy of management review*, 23 (2), 242-266.
25. Okayasu, I.; Kawahara, Y.; Nogawa, H. (2010). "The relationship between community sport clubs and social capital in Japan: A comparative study between the comprehensive

- community sport clubs and the traditional community sports clubs". *International Review for the Sociology of Sport*, 45 (2), 163-186.
26. Peachey, J. W.; Cohen, A.; Borland, J.; Lyras, A. (2011). "Building social capital: Examining the impact of Street Soccer USA on its volunteers". *International Review for the Sociology of Sport*, 48(1), 20-37.
27. Putnam, R. (1993). "The prosperous community: social capital and public life". *The american prospect*, 4 (13), Available online: <http://www.prospect.org/print/vol/13> (accessed 7 April 2003).
28. Putnam, R. (2002). *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society*: Oxford University Press.
29. Seippel, O. (2006). "Sport and Social Capital". *Acta Sociologica*, 49 (2), 169-183.
30. Skirstad, B; Hanstad, D. V. (2013). "Gender matters in sport event volunteering". *Managing Leisure*, 18 (4), 316-330.
31. Stone, W.; Hughes, J. (2002). *Social capital: Empirical meaning and measurement validity*: Australian Institute of Family Studies Melbourne.
32. Tonts, M. (2005). "Competitive sport and social capital in rural Australia". *Journal of Rural Studies*, 21 (2), 137-149.
33. Wilson, J.; Musick, M. (1999). "The effects of volunteering on the volunteer". *Law and contemporary problems*, 62 (4), 141-168.